

متن پرسش

سلام استاد عزیز: از تدارک و جبران گناهان شخصی و اجتماعی و حقوق ضایع شده خودم و مردم و خدا و معصومین علیهم السلام عاجزم، قدری که فکر می‌کنم می‌بینم به همه ظلم کرده ام از دوست و رفیق و آشنا تا غریبه! خاک عالم به سرم است! جای من ته جهنم است! استاد عمر باقیمانده را چه کنم؟ این همه روسیاهی را کجا داد بزنم؟ نکند شقی باشم؟! چطور اینقدر کثیف زیسته‌ام؟ نکند خدا مرا نبخشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! وقتی خداوند می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» معلوم است حضرت محبوب اولاً: ضعف بندگانش را می‌شناخته و می‌دانسته است که تازه وقتی انسان راه بیفتد به خود می‌آید که چه بیراهه‌ها که نرفته است. این‌جا است که به گفته جناب جامی: «غره مشو که مرکب مردان مرد را / در سنگلاخ بادیه پی‌ها بریده اند»

نومید هم مباش که رندان جرعه نوش / ناگه به یک ترانه به منزل رسیده اند»
و این یعنی راهی را مدّ نظر باید قرار داد که سیئات را تبدیل به حسنات می‌کند. یعنی حاضر شدن «مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا» در جستجوی تجدید نظر بودن و دل به حضرت محبوب سپردن و زندگی را مطابق آنچه سیره اولیای الهی می‌باشد، شکل‌دادن. موفق باشید